

بقلم دکتر مجید حائری

بازرس قضائی

### مبحث عدم مسئولیت

ارتکاب عملی که بر طبق مواد قانون جرم شناخته شده است و برای آن مجازات تعیین گردیده در تمام موارد قابل مجازات نیست. گاه مرتکب یک جرم بواسطه کیفیات و جهاتی که در شخص او موجود بوده یا بوجود آمده است از مجازات معاف می‌گردد و زمانی نیز عمل مرتکب بواسطه کیفیات و جهاتی که در خارج وقوع یافته است و یا در جرم حادث شده خصوصیت جرم بودن خود را از دست می‌دهد و باین جهت مسئولیت مجرم زائل می‌گردد.

آقای جنیدی عبدالملک بک یکی از شارحین و علمای حقوق جزای مصر در کتاب خود بنام «الموسوعة الجنائیه» چنین مینگارد:

« تنها ارتکاب جرم کافی برای مجازات فاعل و مرتکب نیست بلکه مرتکب باید منطقاً و عقلاً مسئول نتیجه اعمال خود باشد بنابراین زمانی که فاعل فاقد قوه درک و عقل باشد یا بحق اقدام بارتکاب عملی قابل مجازات نموده است مسئول شناخته نمیشود. »

پس از تحولات عدیده‌ایکه در موضوع مسؤلیت مجرم بعمل آمد باین نتیجه رسیده شد که برای قابل مجازات بودن عمل ارتكابی، مجرم باید آن عمل را در کمال آزادی و شناسائی ارتكاب نماید. (۱)

بنابر این شخص دیوانه و کسیکه در نتیجه اتفاق یا عارضه‌ای اراده و قوه عقلی خود را از دست داده است منطقاً قابل مجازات نمیباشد چه بحکم تجربیات علمی ثابت شده است که مجازات در آنها اثر نداشته و بخلاف موجب جریحه‌دار شدن احساسات عامه را فراهم می‌آورد.

صرف نظر از عقاید مختلف در باره علت مسؤلیت مشاهده میشود که امروزه عموم علمای حقوق پیرو هر مکتبی باشند در عدم مسؤلیت مرتکبین بعضی از اعمال قابل مجازات متفقند و تقریباً طبقه‌بندی افراد غیر قابل مجازات در قوانین اغلب کشورها بر روی یک پایه قرار دارد. (۲)

(۱) طرفداران مکتب «تاریخی جدید» Néo-classique مسؤلیت اخلاقی مجرم را اساس مسؤلیت جزائی او میدانستند ولی اثباتیون Positivistes ریشه مسؤلیت جزائی را مسؤلیت اجتماعی دانستند و آنریکوفری در کتاب مشهور خود Sociologie Criminelle اساس مسؤلیت جزائی را مسؤلیت قانونی فرض نموده است. سببیون Les déterministes (کسانیکه طرفدار علت و سبب هستند) برخلاف طرفداران مکتب جدید «مخالف آزادی کامل قضاوت» میباشند و بعقیده آقای «دن دیودوایر» - Donnedieu de Vabres مولف کتاب Traité de droit Criminel و استاد مشهور حقوق جزای دانشکده حقوق پاریس «نفی یا اثبات عقیده «آزادی کامل قضاوت» از لحاظ عمل قابل اثبات نیست زیرا مسئله مربوط به ماوراء طبیعت و احساسات است. علمای حقوق جزا میتوانند از توجه باین مسئله خودداری نمایند و نسبت بآن بیطرف باشند و این است روشی که مقلدین جدید اتخاذ نموده‌اند. مقلدین قوانین مجازات جدید معتقدند: برای اینکه عمل قابل مجازات باشد باید در کمال آزادی و شناسائی ارتكاب شود.

(۲) بنابر مواد ۸۰۶ قانون اتحاد جماهیر شوروی مصوب ۱۹۲۶ «انجام عمل یا خودداری از انجام عملی که عناصر متشکله یک جرم معین و مشخص را واجد باشد جرم نیست هنگامیکه از لحاظ اجتماع خطری نشان ندهد بعلت عدم اهمیت و یا فقدان نتایج ضرر زننده آن بنابر این برای یک عمل ممنوع خارج از ارتكاب نمی‌توان مجازاتی قائل شد اگر نتایج اجتماعی آن فاقد خطر باشد.»

از آنچه تاکنون ذکر شد و از نظریه حقوق دانان مستفاد میشود مرتکب يك عمل قابل مجازات در دو صورت از مجازات معاف است :

اول- در صورتیکه کیفیات مخصوص جسمی در مجرم وجود داشته است.

دوم- در صورتیکه کیفیات مخصوص معنوی موجب تحولات روحی مجرم شده باشد که این کیفیات خود بر دو نوع است :

۱- نوع نخست کیفیات خارجی که آنرا جهات معافیت از مجازات

Les causes de non-imputabilite گویند .

۲- نوع دوم کیفیاتی که در شخص مجرم حادث میشود و او را وادار بر ارتکاب

جرم مینماید. و آنرا جهات سقوط مجازات Les Faits justifi catifs مینامند.

## اول- کیفیات جسمی

گاه بر اثر کیفیات جسمی که در مجرم وجود داشته است مسؤلیت مجرم باز ازل میشود و یا تخفیف مییابد و این کیفیات یا مربوط به سن مجرم است و یا مربوط به جنس او عبارت بهتر طفل یا پیرمرد و یا زن بودن در مجازات مؤثر است :

موضوع عدم مسؤلیت اطفال و مجازاتهایی که درباره آنان باید اجرا شود خود مبحث مفصل و قابل شرح و توضیحی است که در این مختصر نمیگنجد و تنها بد ذکر این مطلب اکتفا میشود که در عموم قوانین اطفال تا سن ۱۲ تمام از مجازات بطور کلی معاف میباشند و تا سن ۱۵ نوع تمام مجازات آنان با مجازات سایر مجرمین اختلاف دارد و تا سن حد بلوغ جزائی در مجازات آنان تخفیف میدهند و امروزه برای اطفال دادگاه و بازپرس و قضات مخصوص تعیین نموده اند که متأسفانه در قوانین ایران توجه باید

و شاید نسبت باین مسئله مهم و حیاتی نشده است و از این لحاظ قوانین ما فقیر و ناقص است که در موقع خود بطور تفصیل ذکر خواهد شد.

پس از موضوع اطفال مسئله مجازات و مسؤلیت اشخاص مسن و پیر مردان جلب توجه میکند که عموماً مقننین در یک ماده نسبت بآنها و بزنان مقرراتی وضع مینمایند: ماده ۴۶ قانون مجازات ایران در این خصوص چنین تدوین شده است «در حق مردانی که عمر آنها متجاوز از شصت سال است و هه چنین کلیه زنها حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمیشود و مجازات آنها بحبس مجرد تبدیل خواهد شد مگر اینکه حکم رای ارتکاب بقتل عمدی صادر شده باشد» بطور قطع خوانندگان بنقصر و بیاعیب روشن ماده مزبور عطف نظر مینمایند که بدون توجه بعلت و جهات معافیت زنان و پیر مردان از مجازات اعدام و حبس با اعمال شاقه مقننین ایران با توجه بقوانین خارجی ابتدا آنها را از این مجازات معاف نموده سپس شاید بتصور اینکه ممکن است در موضوع قتل عمد تبدیل مجازات آنان احساسات جامعه را جریحه دار سازد همان مجازات را قابل اجرا دانسته اند چه واضح و روشن است که یکی از علل عمده استفاده زنان و پیر مردان از این تبدیل مجازات ضعف و ناتوانی و نداشتن قدرت مقاومت آنها در مقابل شدت مجازات و اعمال شاقه بوده است و این ضعف و ناتوانی در تمام موارد در افراد مسن و زنان وجود دارد و اگر بنابراین نظر وقبول اختلاف جسمی و حتی روحی زنان مقننین ایران آنها را از مجازات اعدام و حبس با اعمال شاقه مصون دانسته اند دیگر نباید در مورد قتل عمد اجرای این مجازات را اجازه دهند بخصوص آنکه تجربه نشان داده است اعدام زنان و پیر مردان و اجرای مجازات با اعمال شاقه درباره آنان در بعضی کشورها ممالک شرقی و اسلامی بیشتر احساسات عامه را جریحه دار مینماید.

ولی امروزه در نتیجه پیشرفت علم پزشکی ثابت شده است که مسئله ضعف زنان چندان پایه علمی ندارد و اگر آمار نشان میدهد زنان کمتر مرتکب جرائم میشوند

بعلت ضعف و ناتوانی آنان نیست بلکه بعلت آنست که زنان بطور عادی در کارهای عمومی و جنبشهای زندگانی دخالت میکنند بطوریکه آثار ثابت نموده است در ایام جنگ که بیشتر مردان بجهت اعزام شده بودند و زنان بحکم اجبار مداخله زیادتری در امور اجتماعی مینمودند نسبت جرائم ارتکاب شده زنها زیادشد و اینک بآماري که در فرانسه تهیه شده است اشاره میکنیم :

در ۱۹۱۳ تناسب محکومیت زنان بمجموع محکومیت به نسبت ۱۴٪ بوده است و در نتیجه شروع جنگ در سال ۱۹۱۴ بعد این تناسب مرتباً رو با افزایش بود بطوریکه در سال ۱۹۱۹ یعنی سال خانمۀ جنگ این نسبت به ۲۹٪ رسید یعنی ۲۹ درصد محکومین را زنان تشکیل میدادند در صورتیکه در سال ۱۹۲۱ عدد زنان محکوم کمتر شد و به ۲۳٪ تنزل پیدا کرد و همینطور قوس نزولی طی میگردد تا در سال ۱۹۳۳ مجدداً به نسبت سال قبل از جنگ بین الملل اول یعنی ۱۴٪ رسید و حتی در سال ۱۹۳۴ به ۱۲/۷۰٪ تنزل پیدا کرد و در نتیجه شروع جنگ اخیر باز هم جرائم ارتکابی بوسیله زنان رو با زیاد گذاشت .

آنچه قابل ذکر است توجه علمای حقوق جزا بمسئله زنان است بطوریکه اخیراً معتقد شده اند که هر چه بر تمدن افزوده گردد بهمان نسبت زنان بیشتر مرتکب جرائم میشوند بخصوص جرائم سرقت و کلاهبرداری و خیانت در امانت در میان زنان ممالک متمدن رواج زیادی پیدا کرده است صرف نظر از بعضی جرائم اغلب بوسیله زنان ارتکاب میگردد مثل سقط جنین و بچه کشی و دزدی در مغازه های بزرگ .

مسئله تبدیل بعضی از مجازات زنان و تأسیس زندانهای مخصوص برای آنها امروزتها بر روی ضعف و عجز آنها از تحمل شدت مجازات بنا نشده است زیرا بطوریکه فوقاً ذکر شد این موضوع دیگر مورد توجه قرار نمیگیرد بلکه برای جلوگیری از فسادى که ممکن است اختلاط زن و مرد ایجاد کند دخترها و زنان را از مردان مجزا کرده

بکارهایی می‌گمارند که تناسب با ساختمان جسمی آنان داشته باشد و جزاز اعزام آنها بکافی و یا نقاط خارج از کشور خودداری میشود و بهمین علت است که در اغلب کشورها حتی مجازات اعدام را درباره زنان و پیرمردان قابل اجرا میدانند (قانون مجازات مصر و قانون مجازات فرانسه).

ایرادی که بماده ۴۶ قانون مجازات ایران وارد است این است که باتعیین نظریه قابل رعایت بودن این دو دسته از مجرمین چرا از این نظریه عدول کرده و در مورد قتل عمد این مجازاتها را برقرار ساخته‌اند و بر فرض آنکه این شدت عمل را در مورد مجازات اعدام قبول کنیم در مورد حبس با اعمال شاقه قابل قبول نیست مضافاً بر اینکه تصور عدم اعدام قاتل عمد ممکن است احساسات جامعه را جریحه‌دار کنند نیز با توجه باینکه اعدام زنان بیشتر احساسات جامعه را مجروح می‌سازد مردود است. ایراد دیگری که بر ماده ۴۶ قانون مجازات ایران میتوان وارد دانست این است که در ماده مزبور تذکر داده شده است «... و مجازات آنها بحبس مجرد تبدیل خواهد شد.»

بطوریکه از ماده ۱۲ قانون مجازات ایران مستفاد می‌شود حداکثر مدت حبس مجرد ۱۰ سال است حال اگر مجازات مقرر در قانون نسبت بجرمی که یک زن یا یک پیرمرد مرتکب شدند حبس ابد با اعمال شاقه باشد. آیا باید او را در حبس مجرد تا ابد نگاهداشت یا خیر؟ ماده مزبور تکلیف مجریان قانون را در این مورد معین نکرده است و از این جهت ناقص است.

تصور می‌شود علت این نقص آنست که مقننین قانون مجازات ایران در موقع تدوین قانون بماده ۵ قانون ۳۰ مه ۱۸۵۴ فرانسه توجه داشته‌اند و کلمه *RecLusion* موجوده در ماده فوق را بحبس مجرد ترجمه نموده‌اند و توجه نکرده‌اند که این ترجمه با ماده ۱۲ قانون مجازات عمومی ایران تنافی پیدا می‌کند زیرا در این مورد

بخصوص مجازات حبس Rec Lusion در فرانسه ممکن است تا ابد اعلام شود در صورتیکه حبس مجرد مؤبد در قانون ایران پیش‌بینی نشده است و مقتضی آن بود که قانونگذار توضیح بیشتری می‌داد.

در مورد زندان مخصوص زنان در قانون ایران ماده مخصوصی پیش‌بینی نشده است و تنها در آیین‌نامه مجبسه‌ها و توقیف‌گاهها يك ماده ناقص ذکر شده است و در ماده مزبور مقرر شده که برای نسوان محبس جداگانه تهیه شود که نقائص عمده این ماده از آیین‌نامه از لحاظ عدم تعیین شرایط محل زندان و کار زنان و شرایط زندانبانان که زنها یا مردها باشند و سایر خصوصیات دیگر کاملاً مشهود و محتاج باصلاح کامل است.

صرف‌نظر از آنچه ذکر شد در مورد اجرای احکام جزائی مقرراتی راجع بزنها بنظر می‌رسد که در ماده ۴۸۴ قانون اصول محاکمات جزائی ایران پیش‌بینی شده است و ماده مزبور می‌گوید:

« در موارد ذیل اجرای احکام قابل اجرا فوراً به‌موقع اجرا گذاشته نمی‌شود:

- ۱- در مورد زنان حامله یا زنانیکه تازه وضع حمل کرده‌اند تاچهل روز بعد از وضع حمل.
- ۲- در مورد زنانیکه اطفال رضیع خود را شیر می‌دهند تا زمانیکه اطفال آنان بسن ۲ سال برسد ولی این در مواردیست که اجرای مجازات ضرری بطفل برساند ... »

این بود آنچه در قوانین ایران راجع بزنان و پیرمردان پیش‌بینی شده بود و متأسفانه شارحین قوانین جزا از جمله آقای دکتر سمیعی هیچگونه اشاره‌ای به نواقص موجوده ننموده و این نقص در کتاب حقوق جزای ایشان نیز موجود است.

برای اطلاعات بیشتر بی‌مناسبت نیست که به بعضی از قوانین خارجی اشاره شود. بطوریکه در ماده ۱۵ قانون مجازات مصر مصرح است نسبت بمردانیکه سن

آنها از ۶۰ سال تجاوز کند و نسبت بزنها بطور مطلق مجازات حبس با اعمال شاقه اجرا نمیشود و مجازات آنها بیکدیگر از حبسها تبدیل میگردد و باید دانست که ذکر ماده ۱۵ در حکم دادگاه ضروری نیست بلکه دادگاه در دادنامه مجرمین را بهمان مجازات حبس دائم یا موقت با اعمال شاقه محکوم میسازد منتها این مجازات درباره آنها مجری میگردد و مجریان دادنامه در موقع اجرا باید ماده فوق الذکر را در نظر داشته باشند

بنابراین آثار تبعی مجازات حبس با اعمال شاقه در مصر ازین نهیروذ ( بخلاف کشور فرانسه چنانکه بعداً ذکر خواهد شد ) آنچه از ماده ۴۶ قانون مجازات ایران نیز مستفاد میگردد دادرس دادگاههای ایران نیز وظیفه ندارند در دادنامه ماده ۴۶ را ذکر نموده و مجازات را تبدیل نمایند بلکه این وظیفه بعهدۀ مجریان گذاشته شده است زیرا ماده مزبور چنین مقرر میدارد «... حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمیشود مجازات آنها بحبس مجرد تبدیل خواهد شد...» کلمه ( جاری ) مذکور در ماده ناظر با اجرای مجازات است نه ناظر بدادنامه و باین استدلال دادرسان وظیفه ای نداشته و اجبار در رعایت ماده ۴۶ ندارند.

ممکن است چنین تصور شود که واگراری اجرای ماده ۴۶ بمجریان دادنامه برخلاف اصول است چه مجریان موظفند نس دادنامه را از روی دقت اجرا نمایند حال اگر دادرسان در دادنامه ذکر ماده ۴۶ را ننموده و مجازات زندانی با اعمال شاقه را تبدیل بحبس مجرد نمایند و تبدیل مجازات را بعهدۀ مجریان بگذارند بمجریان حق داده میشود مفاد دادنامه صادره را تغییر بدهند و این حق نباید بمجریان داده شود و شاید بهمین نظر بوده است که ماده ۵ قانون ۳۰ مه ۱۸۵۴ فرانسه مقرر میدارد :

«مجازاتهای حبس ابد یا موقت با اعمال شاقه در باره هیچ فردی که در موقع صدور حکم مجازات بیش از ۶۰ سال تمام داشته باشد اعلام نخواهد شد و مجازات آنها بحبس



مجرد دائم یا موقت (۱) بر حسب مدت مجازات اصلی تبدیل خواهد شد. «  
 بطوریکه از ماده مزبور مستفاد می‌گردد در کشور فرانسه دادرسان موظف  
 هستند رعایت ماده ۵ را نموده و از صدور حکم مجازات حبس دائم یا موقت با اعمال  
 شاقه درباره پیرمردان خودداری نمایند و این مجازاتها را بحبس مجرد تبدیل سازند  
 ولی موظف نمودن دادگاه بر رعایت این ماده خود ایجاد اشکال دیگری مینماید  
 که ثابت میکند موظف نکردن دادرسان بر رعایت مقررات مربوط به تبدیل اوجح و  
 احسن است زیرا چنانچه مجرم در موقع صدور حکم ۶۰ سال تمام نداشته و چند ماه  
 به ۶۰ سالگی تمام او مانده باشد دادگاه نمی‌تواند ماده ۵ را رعایت نموده و مجازات  
 حبس دائم یا موقت را بحبس مجرد دائم یا موقت تبدیل کند و پس از آنکه حکم قابل  
 اجرا گردید و مجریان خواستند دادنامه را اجرا کنند سن مجرم از ۶۰ سال تجاوز کند  
 در این صورت چون بمجریان چنین اختیاری داده نشده است که حبس با اعمال شاقه را  
 بحبس مجرد تبدیل سازند مجرمی که بیش از ۶۰ سال تمام دارد بمجازات زندانی با  
 اعمال شاقه محکوم شده و این مجازات درباره او اجرا میشود و اجرای این مجازات  
 در مورد این اشخاص منع اصولی و اخلاقی دارد در صورتیکه اگر اختیار تبدیل مجازات  
 بمجریان داده شود این اشکال بخودی خود مرتفع خواهد گردید.

تصور میشود مقننین قانون مجازات فرانسه با توجه باختیارات وسیعی که بر رؤسای  
 زندانها داده شده است که در موارد حساس و لازم با شرایط موجوده اختیار تبدیل  
 مجازات بآنها واگذار شده است اصلح آن دیده‌اند که مجازات زندانی با اعمال شاقه  
 درباره پیرمردان حتی در دادنامه نیز ذکر نشود تا مبدا مورد سوءاستفاده قرار گیرد  
 مضافاً بر اینکه اگر اختیار تبدیل مجازات بمجری دادنامه واگذار شود چه بسا اتفاق  
 می‌افتد که مجرمی در حین اجرای مجازات به ۶۰ سالگی تمام میرسد و در این مورد مجری

وظیفه دارد پس از حلول ۶۰ سالگی تمام دیگر مجازات حبس با اعمال شاقه را در باره آن زندانی اجرا ننماید و آنرا تبدیل به مجازات حبس مجرد کند و با توجه باینکه حبس با اعمال شاقه در خارج کشور فرانسه و در کلنی‌ها بموقع اجرا گذاشته میشود پس از ۶۰ سالگی رئیس زندان باید آن مجرم را بداخل کشور فرانسه یعنی محل اجرای مجازات حبس مجرد که در داخل فرانسه است اعزام دارد و این عمل صرف نظر از آنکه ببودجه کشور ضرر وارد می‌آورد از لحاظ معنوی و اعزام زندانیان بداخل کشور نیز مضر است و بهمین علل بوده است که مقنن اختیار تبدیل مجازات را در این موارد بمجری نداده است اگرچه ذکر جمله « در موقع صدور حکم » رفع این اشکال را تا حدی مینماید ولی رافع تمام اشکالات وارد نیست زیرا مسئله تشخیص سن بعهدۀ مجری گذاشته میشود در هر حال باز تکرار میشود که در فرانسه بر رؤسای زندانها اختیارات وسیعی داده شده است که در صورت حصول شرایطی از قبیل حسن رفتار و اخلاق و وضعیت و سن و ناتوانی زندانیان در مجازات آنها تخفیفی از حیث شدت مجازات بدهند.

با تمام این مراتب می‌توان گفت اجرای مجازات حبس با اعمال شاقه در مورد اشخاصیکه به ۶۰ سالگی تمام رسیده اند مخالف با اصول است و بهتر آن است که این اختیار بمجری واگذار گردد.

پس از این توضیح مختصر سایر مواد مربوط بزنان و پیر مردان قانون فرانسه ترجمه میگردد:

ماده ۱۶ قانون مجازات فرانسه مقرر میدارد «زنها و دخترانی که محکوم بحبس با اعمال شاقه شده اند جز در داخل زندان بکار گماشته نخواهند شد»

و ماده ۲۷ اضافه میکند « اگر زن محکوم با اعدام اعلام حنا مگی نماید و ثابت شود. تاوضع حمل مجازات اعدام بتاخیر می‌افتد» این ماده ثابت مینماید که مجازات

اعدام درباره زنان در کشور فرانسه قابل اجراست و چون علمای حقوق جزای فرانسه معتقدند بین زن و مرد اختلاف زیادی موجود نیست این مجازات را در تمام موارد نسبت بزنان قابل اجرا میدانند و بعکس چون تحمل شدائد کار مربوط باعمال شاقه را که توانایی و مقاومت زیاد میخواهد از عهده زنان خارج میدانند آنان را از این کارها معاف ساخته و بکارهای سبک تر میگمارند و در این خصوص ماده ۴ قانون ۳۰ مه ۱۸۵۴ دستور میدهد :

«زنان محکوم بحبس باعمال شاقه بموسساتی که در کلنیها تشکیل شده است اعزام خواهند شد و از مردان جدا میباشند و بکارهایی گماشته میشوند که با سن و جنس آنان تناسب داشته باشد»

و چون بر طبق قانون ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۷ اعزام زنان بکلنیها بواسطه نتایج وخیمی که حاصل شد ممنوع گردید زنان در داخل کشور بکارهای متناسب غیر از اعمال شاقه گماشته شدند و باینصورت مجازات حبس باعمال شاقه درباره آنان اجرا نمیگردد ! از این ماده استنباط میگردد که مجازات مزبور درباره زنان در دادنامه ذکر میگردد ولی عدم اجرای آن بر عهده مجریان و اگزار شده است که بر طبق ماده ۴ قانون ۳۰ مه ۱۸۵۴ و قانون ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۷ رفتار نمایند.

در خصوص مردان مسن ماده ۷۰ قانون مجازات می گوید :

«نسبت بافراد مسنی که در موقع صدور دادنامه زائد بر ۷۰ سال دارند مجازاتهای حبس باعمال شاقه و زندانی باکار در زندانهای مستعمرات (پس از لغو اعدام در مورد مجرمین سیاسی در سال ۱۸۵۰ مجازات حبس باکار در خارج از کشور جانشین اعدام شد) و حبس موقت باعمال شاقه اعلام نخواهد شد»

ماده ۷۱ «جانشین مجازاتهای فوق الذکر خواهند شد مجازات زندانی باکار در زندانها و قلاع خارج از کشور بمجازات حبس مجرد دائم باکار در سکوت و تنهایی

Detention و سایر مجازاتهای با اعمال شاقه بحبس مجرد دائم یا موقت (بسنه بمجازات اصلی باکار) در سکوت و با دیگران هنگام روز و مجرد هنگام شب Reclusion  
 از ماده مزبور اختلاف دو حبس مجرد که یکی بنام Detention معروف است  
 و مدت آن از ۵ تا ۲۰ سال است و در مورد تکرار تا ۴۰ سال نیز میرسد و دیگری  
 Reclusion که مدت آن از ۵ تا ۱۰ سال است و تنها در موقعی که جانشین حبس  
 دائم با اعمال شاقه نسبت بزنان و پیر مردان میشود ممکن است دائمی گردد، روشن  
 میشود.

ولی پس از تصویب قانون ۳۰ مه ۱۸۵۴ ماده ۷۰ تغییر کرد و ماده ۵ قانون مزبور  
 جانشین آن گردید که قبلاً ترجمه آن ذکر شد و مدت سن از ۷۰ سال به ۶۰ سال  
 تنزل داده شد.

« قیه دارد »